

ابتدایی رخ داد و سپس در کنار حملات نظامی آنان به اماکن هسته‌ای و نظامی ادامه پیدا کرد-مانند ترور افسران عالی‌رتبه نیروی قدس در قم و همچنین غرب کشور- زیر گوش ما رخ داد. بخشی از این سوال را باید وزیر محترم اطلاعات و دو معاون محترم ضدجاسوسی و امنیت پاسخ بدهند.

▼ پنجم: باز تعریف مفهوم وطن

این جنگ ۱۲ روز طول کشید که شاید تنها در چند روز نخست آن، مفهوم وطن حتی در تبلیغات رسمی هم جای زیادی داشت اما این مفهوم خیلی زود در تبلیغات رنگ و بخت و تقریباً بلافاصله پس از توقف جنگ، همه چیز در تبلیغات به خصوص صداوسیما به تنظیمات کارخانه بازگشت. تعابیر یک طرفه سیاسی جای مفاهیمی مانند همبستگی، ملت ایران و... را گرفت، وطن مفهوم ارزشمندی است که باید آن را دوباره تعریف کرد. چرا که طی چند دهه گذشته این مفهوم در کنار ملت، ملیت و وطن دوستی همواره مورد بی‌مهری قرار گرفته است. این بی‌مهری خود را در بزنگاه‌هایی مانند جنگ نشان می‌دهد. وطن همان چیزی است که افرادی مثل معین و شهرام شب‌پره که حدود پنج دهه نتوانستند بر این خاک پایگذارند را هم بگران می‌کند. پس از این جنگ ۱۲ روزه که نخستین درگیری نظامی مستقیم میان ایران و کشوری دیگر بعد از جنگ ۸ ساله محسوب می‌شود، لازم است که این مفاهیم را بار دیگر تعریف کنیم. نمی‌شود که در شرایط بحرانی همه ما یک ملت باشیم و پس از بحران، بار دیگر خط‌کشی‌های فکری-سیاسی و قطب‌بندی میان اقشار جامعه ادامه پیدا کنند. یکی وطن را آغل بخواند و دیگری به همان خط‌کشی قبلی و تعریف یک‌طرفه خود از مردم برسند. از بازتعریف مفهوم وطن می‌توانیم به آشتی ملی برسیم. اتفاقی که ایران بسیار به آن نیاز دارد. کشور ما به پذیرش واقعیت وجودی «جامعه در حال تحول» محتاج است. شما را به آخرین صحبت سپهبد شهید محمد باقری، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح در روز ۵ خرداد-۱۸۰ روز قبل از ترور -ارجاع می‌دهم: «جامعه بسیار پیچیده و در حال تحول ما نیاز به کار علمی دارد اگر فرماندهی انتظامی بخواهد با رویکرد سخت و باتوم بر خورد کند راه به جایی نمی‌برد. ما نیاز به تدبیر داریم.»

▼ ششم: ضعف پدافند در ایران

چندی پیش و قبل از توقف جنگ، یکی از مجریان تلویزیون در برنامه زنده شبکه ۳ ادعا کرد که هیچ جنگنده‌ای در این جنگ وارد حریم هوایی پایتخت نشد و آنچه دیدیم را پهبادهای رژیم اسرائیل انجام دادند. این حرف واقع واقع است. نه به خاطر اینکه طرف اسرائیلی در تبلیغات سیاسی خود بر انجام حملات هوایی تاکید می‌کند؛ از این باب که مشاهدات مردم در مناطق مختلف و حجم خسارت‌های واردشده به نقاط گوناگون از جمله در پایتخت، شباهتی به اثر ایجادشده توسط مهمات قابل حمل توسط پهبادهای دشمن ندارد. کافی است تصاویر منتشرشده از تلویزیون و منابع رسمی داخلی مانند خسارت‌های وارده به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما یا سپاه حضرت سیدالشهدا در شهرری را با حملاتی که از سوی پهبادها انجام شد کنار هم بگذاریم تا متوجه شویم آنچه مطرح شد، اگر کاملاً خلاف واقع نباشد، حداقل بخش‌هایی از آن با واقعیت‌های میدانی تطابق ندارد.

اگر هم جنگنده‌ها نتوانستند از لایه‌های پدافندی ایران عبور کنند، اسرائیل چه پهبادهایی در این تجاوزه‌ها استفاده کرد؟ ما در اخبار خودمان نام پهبادهای هرمس ۴۵۰، ۹۰۰ و هرون را شنیدیم که اطلاعات موجود در منابع نظامی می‌گوید بیشتر قادر به حمل موشک‌های اسپیک‌هستند که مهمات سنگین محسوب‌می‌شوند. حملات به مناطق مختلف از جمله مراکزری در پایتخت که حجم تخریب آن‌ها بسیار بالا بود، با استفاده از چه تجهیزاتی انجام شد؟ طبیعتاً دشمن پاسخ این سوال‌ها را می‌داند و انتشارشان کمک اطلاعاتی به آن‌ها نمی‌کند. این ما هستیم که نمی‌دانیم.

یک سوی دیگر این درس، تجاوز هوایی آمریکا به ایران و بمباران سه تاسیسات هسته‌ای نطنز، فردو و اصفهان است. هوپماهای آمریکایی آمدند و رفتند و یک تیر پدافند به سمت آن‌ها شلیک نشد یا شد و توانایی انهدام آن‌ها را نداشت. هر چند این آمد و رفت‌شان بنا بر گزارش رسانه‌هایی مانند CNN و منابع داخلی ایران، ناموفق بود اما توانستند حمله را صورت دهند و بدون آسیب حریم هوایی ایران و البته شمال اقیانوس هند را ترک کنند. البته تاکنون درباره اینکه اگر یک بار دیگر با ۲ها به ایران بیایند برای آن‌ها شگفتناهی در نظر

گرفتیم، از تریبون صداوسیما صحبت شده است. یا پدافند ایران طی تجاوز اسرائیل در آغاز این جنگ ۱۲ روزه و همچنین تهاجم سال گذشته آن‌ها آسیب دیده، یا توان مقابله نداشته است. ایران علاوه بر سامانه‌های پدافندی بومی، از سامانه پیشرفته اس-۳۰۰ نیز بهره‌مند بوده و این وضعیت کمی غیرشفاف است.

▼ هفتم: توقف و نه پایان جنگ

توجه به این نکته اهمیت زیادی دارد که جنگ ایران و اسرائیل متوقف شد و پایان پیدا نکرد. این توقف جنگ نیز علاوه بر اینکه هر آن امکان دارد به پایان برسد و به وضعیت قبل برگردد، می‌تواند زمانی برای ادامه عملیات ترور آن‌ها باشد. عملیاتی که سابقه‌ای طولانی‌تر نسبت به اقدام نظامی آنان علیه ایران دارد. مقابله با موج بعدی ترورها علیه مقامات نظامی- امنیتی و دانشمندان هسته‌ای هوشیاری بالاتری می‌طلبد. همچنین اماکن حساس نیز می‌تواند چنین شرایطی را داشته باشد. با بازگشت شرایط عادی کاری و حضور کارکنان، توجه به این نکته ضروری است که احتمالاً نمی‌دانیم چقدر از ناحیه عوامل انسانی ضربه خورده‌ایم و همچنان احتمال ضربه‌های دیگر وجود دارد. عملیات مومساد ارتباطی به شرایط جنگی یا آتش بس ندارد.

▼ هشتم: ادامه بازسازی روابط با همسایگان

تهدیدندمایی از ایران نسبت به امنیت، منافع و موجودیت کشورهای همسایه، یکی از جدی‌ترین عللی بود که سال‌ها قبل موجب ورود و استقرار نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس شد. چراکه کشورهای کوچک جنوب این منطقه، با توجه به شرایط خود احساس خطر زیادی می‌کردند. روابط ایران و کشورهای منطقه همواره پرفرازونشیب بود اما به‌طور مشخص پس از رخ دادن بهار عربی، جنگ در یمن، آغاز جنگ داخلی در سوریه و آغاز بحران تروریسم تکفیری، این روابط بیش از پیش تیره شد. پس از خاموش شدن آتش جنگ در سوریه و یمن بود که به تدریج ایران و کشورهای منطقه به سمت بازسازی روابط رفتند. در حال حاضر نیز همین مسیر ادامه دارد؛ پروژه‌ای که از دولت رئیسی با امیرعبداللهیان آغاز شد، در دولت پزشکیان با عراقچی ادامه پیدا کرد. ایران در حال بازسازی روابط با کشورهای عربی است که گستره این پروژه از خلیج فارس تا مصر را بر می‌گیرد. دوری از تهدیدندمایی پیشین، تبدیل دشمنی به رقابت و تاکید بر منافع مشترک در این مسیر مشاهده می‌شود. در توقف این جنگ نیز ردپای کشورهای منطقه دیده می‌شود. این مسیر باید ادامه پیدا کند و تاکید بر این باشد که ایران تهدید نیست بلکه بخشی از منطقه است.

▼ نهم: جدی گرفتن افکار عمومی

انتظار زیادی از تلویزیون‌مان نمی‌توانیم داشته باشیم. این حرف‌ها تکراری است که رسانه به اصطلاح ملی باید همیشه ملی عمل کند. انتظار از رسانه این است که تحلیلی درست از وقایع ارائه کند. یا حتی اگر این امکان در رسانه ملی نیست، دیگر رسانه‌ها بتوانند به این موضوع بپردازند و تا مرز ملاحظات مربوط به امنیت ملی پیش بروند. چند روز قبل یکی از فعالین رسانه‌ای اصولگرا در توییتر نوشته بود رسانه‌های معتبر آمریکایی مانند اسوشیتدپرس، وال استریت ژورنال، سی‌ان‌ان و... هیچ کدام روایت ترامپ مبنی بر نابودی سایت‌های سه‌گانه مورد هدف آمریکا را تأیید نکردند و آن را نادرست خواندند. درحالی که آسیب به سایت‌های نطنز، فردو و اصفهان همان روایت رسمی دولت آمریکا و شخص دونالد ترامپ است اما بررسی ابعاد مختلف این جنگ از زاویه ایران، برای رسانه‌های ما فراموش نیست. صداوسیما هم به عنوان رادیو و تلویزیون حاکمیتی که در تمام کشور قابلیت نفوذ دارد، چنین نگاهی را بر نمی‌تابد. در حالی که افکار عمومی، اخبار خود را از منابع مختلفی دریافت می‌کند و آن‌ها را با مشاهدات خود و دیگر منابع مقایسه می‌کند. افکار عمومی نیاز به تحلیل و اطلاع‌رسانی صحیح دارد نه تحلیل جنبه‌های مختلف‌پیروزی.

در یک لایه دیگر، شاهد فعالیت‌های مجازی هدایت‌شده در شبکه‌های اجتماعی بودیم که محتواهای نادرست یا ساخته‌شده توسط هوش مصنوعی را به عنوان تصاویر مربوط به عملیات آفندی و پدافندی ایران ارائه می‌کردند.

در قسمتی دیگر، شاهد بازی کردن انقلاب‌گرایان پشت دست خطررسانه‌ای اسرائیل بودیم. اسرائیل سانسور شدیدی بر آسیب‌های

حملات ایران به نقاط راهبردی خود اعمال می‌کرد و در عوض، محدودیت انتشار تصاویر و روایت‌ها از آسیب به مناطق غیرنظامی را برداشتند. به طور مشخص در موضوع آسیب به بیمارستان سوروک، اسرائیل تئوری برای خبرنگاران خارجی برگزار کرد و آن‌ها را به بخش‌های مختلف این بیمارستان برد. رسانه‌ها محدودیتی درباره مخابره تصاویر مربوط به ساختمان‌های ویران شده در حيفا و تل‌آویو نداشتند. در این سمت جنگ، عده‌ای خواسته یا ناخواسته پشت دست اسرائیلی‌ها حرکت می‌کردند و ویرانی تل‌آویو و حيفا را بیشتر از آسیب به زیرساخت‌های اسرائیل بر جسته می‌کردند. گزارش از ویرانی‌های حمله اسرائیل به ایران و اقدامی مشابه برای رسانه‌های خارجی نیز جایی در برنامه‌ریزی ما نداشت. حتی خاطرم هست در نخستین روزهای جنگ و به‌طور مشخص پس از حمله اسرائیل به چند ساختمان در مناطق مسکونی از جمله بلوار کشاورز تهران، همین جریان می‌گفتند چرا تصاویر آسیب به مردم را پخش می‌کنید و فضای حماسی داخل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهید! قطعی اینترنت هم خواسته یا ناخواسته این فضای ناتوانی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی را تشدید کرد.

▼ دهم: دیپلماسی تعطیلی برادر نیست

دیپلماسی ابزار اصلی سیاست خارجی است اما در ایران به خاطر تعاریفی که از آن می‌شود، همواره مورد حمله تئدروهاست. این نگاه به دیپلماسی نیز ناشی از عدم دفاع وزارت امور خارجه از اقداماتش است. در واقع آن‌ها را می‌توان مقصر اصلی این حوزه دانست. همین امروز سوال اصلی این است که چرا با آمریکای ترامپ مذاکره کردیم، چرا این وضعیت پیش آمد و چرا باز هم به دنبال گفت‌وگو هستیم؟ چرا به دنبال مذاکره با آمریکا و اروپا هستیم؟ چرا آن‌ها را رها نمی‌کنیم و فقط به سمت روسیه و چین نمی‌رویم؟ اگر دیپلماسی با غرب تعطیل شود، چه خواهد شد؟ دستگاه دیپلماسی تا حد امکان باید این چرایی را تبیین کند. در سمت مقابل، کسانی هستند که معتقدند باید دیپلماسی با غرب را تعطیل کرد و به کار با مسکو، پکن و سازوکارهای جدیدی مانند بریکس و شانگهای پرداخت. این کار ممکن است؟ پاسخ این موضوع را فقط وزارت خارجه می‌تواند بدهد. با حداقل رسانه‌ها اجازه داشته باشند به تحلیل واقع‌بینانه شرایط کشور و لزوم خروج از این وضعیت بپردازند. همچنین باید اجازه داشته باشیم به این هم بپردازیم که امکان دارد در این برهه زمانی، دیگر سیاست و دیپلماسی هم کارگر نباشد.

▼ یازدهم: ورود جدی به موضوع اتباع

قابل کتمان نیست که درهای کشور در سال‌های ۱۴۰۰ تا اوایل ۱۴۰۳، به لابلای مختلف به‌روی اتباع غیرمجاز باز بود. در جریان جنگ ۱۲ روزه نیز اخبار مختلفی از نقش‌آفرینی اتباع غیرمجاز در اقدامات اسرائیل شنیدیم. مهر ۱۴۰۲ در یادداشتی برای انصاف نوشته بودم: «اتباع غیرمجاز، مثل شیخ می‌مانند. در حالی که محل زندگی، خط تلفن و حساب بانکی دارند، هیچ‌کدام به اسم خودشان نیست و جایی ثبت نشده است. معلوم نیست از چه راهی کسب درآمد می‌کنند. چه کسانی آن‌ها را برای پرداخت حقوق کم‌تر، به کار می‌گیرند. اگر جرمی مرتکب شوند، چطور باید آن را پیگیری کرد. این شیخ، هزار اما و اگر دارد و تا زمانی که سامان دهی نشود، از بین نمی‌رود.

اتباع غیرمجاز به خاطر همین ویژگی نامرئی بودن در سامانه‌های گوناگون، یک خطر امنیتی بزرگ محسوب‌می‌شوند. بخشی از تهدید این اتباع به مسئله ضدجاسوسی و بخشی دیگر به موضوع امنیت و تروریسم بر می‌گردد. اتباع غیرمجاز، امکان‌های خوبی برای برخی سرویس‌های اطلاعاتی حرف به‌خصوص ISI پاکستان هستند. در خصوص بحث ضدجاسوسی، آن‌ها به خاطر اینکه به مشاغل مختلفی مثل کارگری، سرابرداری و... مشغول می‌شوند، می‌توانند به بسیاری از محل‌ها تردد داشته باشند. در مواقعی نیز نقش هادی و سرپل سرویس‌ها را بازی می‌کنند. آن‌ها انگیزه فراوانی دارند. تبعه غیرقانونی که از کشوری مثل افغانستان گریخته‌وبه ایران آمده و قصد دارد به اروپا برود، به چه چیزی نیاز دارد؟ پول و ویزا. تبعه غیرمجازی که مثل شیخ در یک جامعه زندگی می‌کند، امکان بسیار مناسبی است.» امروز و در اوایل سال ۱۴۰۴ به نظر می‌رسد بخشی از این تهدید خود را نشان داد. تهدیدی که نیاز به اقداماتی بسیار جدی دارد. اما همین رفتارها نیاز باید انسانی و بر اساس ضوابط باشد، نه از روی هیجان و خودسری.

▼ دوازدهم: چشم‌ها را باید شست

جنگی که پشت سر گذاشتیم، به همه ما نشان داد که مفهوم ایران، خیلی فراتر از سلايق سیاسی و اختلافات فکری است. از چهره‌های هنری مشهور که پا روی حس سال‌ها دوری از وطن گذاشتند و سمت ایران ایستادند نوشتیم، اما نباید از سیاسيون قدرنادیده، داغ‌دیده یا در بند غافل شویم. مثلاً چه کسی می‌تواند بگوید پرستو فروهر، فرزند داریوش و پروانه داغی که حدود سه دهه قبل دید را فراموش کرده؟ فردی مثل پرستو فروهر می‌توانست موضعی غیر از آنچه گرفت و رفتاری غیر از آنچه داشت را نشان دهد. اما طوری ظاهر شد که هیچ فرد منصفی نتوانست او را ستایش نکند. به این فهرست اضافه کنیم مصطفی تاجزاده که همچنان در بند است، یا جریان‌هایی مانند نهضت آزادی که برخی رسانه‌های خاص یا افراد در ادبیات‌شان از آن‌ها به عنوان گروهک یاد می‌کنند اما سمت ایران ایستادند. استادن سمت ایران با تمام دره‌ایی که وطن طیف از افراد و تشکل‌ها کشیدند، به این معناست که وطن ما را هم پیوند می‌دهد. این موضوع نشان می‌دهد که معیار بسیاری از قضاوت‌ها و نگاه‌های سیاسی باید تغییر کند. به قول سهراب سپهری، چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید.

مجلس



معیار را تو تعیین نمی‌کنی

مجتبی زارعی، نماینده تهران در مجلس در سایت تابناک نوشت: «به نظر بنده باید هر چه را که عقل و عدل و انصاف و شرف ملی و انقلابی به آن گواهی می‌کند نوشت و از افراط و تفریط در بیان نظرات پرهیز کرد از این روبدون توجه به سرزنش‌های احتمالی، یا بی‌توجه به دریافت دشنام و یا تشویق این و آن؟... پزشکيان در يك مصاحبه خلاصه نمی‌شود؛ او در طول يك سال گذشته و در جنگ تحميلي ۱۲ روزه بارها بر ايستادگي و شهادت‌طلبي و هم‌چگهي و وحدت ديپلماسي و ميدان تاكيد كرده و تا جايي كه من مطلع هستم به اين خط پاييند هم بوده است؛ من نشانه‌ای دال بر رئیس جمهوری ترسو پیدا نکردم به عکس بنظرم او حاضر است جانش را برای ایران و اسلام و ملت و رهبری اهدا کند. او مصاحبه با کارلسون را برای تعیین سیاست خارجی انجام نداده است، او در این مصاحبه سعی کرده با زبان «دیپلماسی عمومی» برای مردم غرب علیه حاکمان‌شان سخن بگوید.» در بخش دیگر این مطلب آمده است: « دیگر اینکه کسی وبخصوص مدعیان انقلابی، حق ندارد و ندارند در غوغای کنش‌ها و واکنش‌ها، فرصت‌طلبانه، اصل مذاکرات غیر مستقیم عمان و ژیم با آمریکای جانیثکار را «غیرشرافتمندانه» بخواند؛ معیار شرف و بی‌شرفی در آن مذاکرات را تو تعیین نمی‌کنی! این معیار را قبلاً ولی امر برای حاکمیت و حوزه‌ی اجرایی دولت محترم معلوم کرده بود پس با عقده‌گشایی و اصرار بر لجاجت‌های انتخاباتی، مذاکره با اذن ولی، فاقد شرف ملی نخواهد شد؛ صدا البته خیانت به دیپلماسی و مذاکره از سوی قاتلی بی‌صفت، در ایران و جهان اگر به ما خسارت زده و جان‌های عزیزی چون باقری، سلامی، حاجی‌زاده، رشید، دانشمندان، مردمان و کودکان را از ماستانده امبارای ایران، شکوفایی و همبستگی‌ای تولید کرده که مانند آن فقط در دوران انقلاب و با دفاع مقدس ۸ ساله مشاهده شده است و دستمیز یاد به حکمت و دوراندیشی امام خاتمه‌ای.»



سخنان تان ملو از سادانگاری است

علی شیرین‌زاد، نماینده کرج با انتشار بیانیه‌ای خطاب به مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری نوشت: «مصاحبه و سخنان اخیرتان با خبرنگار آمریکایی آقای کارلسون آن هم تنها چند روز پس از حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی و آمریکا، درحالی که ما در حال مذاکره بودند، ملو از ساده‌انگاری و خوش‌باوری است. انتظار می‌رفت در چنین شرایطی و با وجود کمک آمریکا به صهیونیست غاصب در حمله بی‌مهالاب به میهن اسلامی، مواضع غیورانه و مقتدرانه‌تری می‌گرفتید... در شرایطی که صورت مسئله انقدر واضح و روشن است که حتی کودکان دنیا نیز از اوج شقاوت، پستی، نفاق، جنگ‌طلبی، خونریزی و سلطه‌جویی سران کشورهای استکباری به‌ویژه ترامپ قمارباز شکوه داشته و به ستوه آمده‌اند، این چنین سخنانی آن هم در چنین شرایطی چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟» در بخش دیگر این مطلب آمده است: «آقای پزشکیان چگونه از آن‌ها توقع دوستی و صلح گستری دارید؟ مگر نتیجه تن دادن به مذاکره غیرشرافتمندانه اخیر که به اصرار و پافشاری جنابعالی و مشاوران زبان‌دنیافهمتان، رقم خورد را فراموش کرده‌اید؟ آیا از خوش‌باوری قبلی چیزی جز خیانت و خنجر از پشت عایدمان شد؟... چگونه می‌توان از کسی که به تازگی وجود نازنین زعیم عالی‌قدر اسلام، رهبر معظم انقلاب و امام جبهه مقاومت را تهدید کرده، به‌گونه‌ای که صدای اعتراض هزاران نفر از حق‌طلبان دنیا از علمای اعلام تا زن و کودک و خرد و کلان را به همراه داشته توقع صلح داشت؟» در پایان این نامه نیز آمده است: «از شما تقاضا دارم من‌بعد و در اینگونه موارد یا سکوت اختیار کنید یا ضمن مرور تاریخ سراسر خون و خیانت‌نظام سلطه‌وسران آمریکای جانیثکار، به‌ویژه ترامپ‌شورو و شیطان‌صفت و قاتل شهید سلیمانی عزیز، واژه‌هایی چون صلابت و اقتدار، غیرت و وطن‌پرستی، حماسه و ایثار، همت و حمیت و... را برای خود تر جمه‌نمایید.»